

ریشه‌شناسی کاربرد ذکر «الله، محمد، علی» در مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی

سجاد حسینی*

استادیار گروه تاریخ و جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی
s.hoseini@uma.ac.ir

فاطمه برمکی

مربی گروه هنر دانشگاه محقق اردبیلی

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/mbs.2019.15811.1719
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۹
(از ص ۱۸۷ تا ۲۰۶)

چکیده

مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی یکی از برجسته‌ترین شاهکارهای معماری ایرانی-اسلامی به‌شمار می‌آید. سنگ بنای این مجموعه بعد از وفات شیخ صفی‌الدین اردبیلی در سال ۷۳۵ ه.ق. / ۱۳۳۵ م. توسط شیخ صدرالدین موسی -فرزند و جانشین او در رهبری طریقت صفویه- گذاشته شد و در دوره‌های بعد تکمیل شد. این مجموعه را باید گنجینه‌ای از ده‌ها کتیبه‌ی ارزشمند اسلامی قلمداد کرد که در قالب هنرهای متنوعی چون: معرّق کاشی، حجاری، مشبک فلز، معرّق، مشبک و سوخت چوب متجلی شده است. کتیبه‌های اسلامی مذکور را می‌توان در سه گروه آیات، احادیث و اذکار دسته‌بندی کرد. ذکر «الله، محمد، علی» پرتکرارترین این اذکار است. اما پرسش این است که (دلیل کاربرد مکرر این ذکر در مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی چیست؟ با توجه به خاستگاه و کاربرد طریقتی مجموعه‌ی مذکور، اذکار موجود در آن و از جمله ذکر «الله، محمد، علی» می‌تواند ریشه در سنت‌های صوفیانه داشته باشد. خصوصاً این که این ذکر در سراسر دوران شیوخ و سلاطین صفوی و بعد از این دوران، بر زبان مریدان اکثراً قزلباش ایشان جاری می‌شد و هنوز هم در جوامع علوی-بکتاشی آناتولی، روم ایلی و بالکان به‌عنوان میراث‌داران تصوف صفویه و آخرین بازماندگان طریقت قزلباشیه کاربرد دارد. همچنین ذکر «الله، محمد، علی» در کتیبه‌های موجود در بسیاری از ابنیه و اشیاء صوفیانه برجای مانده از عهد مغول تا دوره‌ی معاصر مشهود است. این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر منابع تاریخی و تاریخ‌نگاری، اسناد و مدارک آرشیوی، مشاهدات میدانی و مطالعات باستان‌شناسی و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی ضمن مطالعه‌ی انعکاس ذکر «الله، محمد، علی» به‌عنوان یک ذکر صوفیه در معماری مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، به بررسی کاربرد آن در نزد مریدان طریقت صفویه در گذشته و حال بپردازد.

کلیدواژگان: مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اذکار صوفیه، قزلباشیه، الله، محمد، علی.

مقدمه

مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، یکی از شاهکارهای برجسته‌ی هنر ایرانی-اسلامی به‌شمار می‌آید. تأسیس این مجموعه با حیات و ممات شیخ صفی‌الدین در ارتباط است. شیخ صفی‌الدین در دوران حیات، خانقاهی برای تجمع مریدان خویش برپا داشت و در آن به ارشاد پرداخت. پس از وفات نیز پیکر بی‌جان او در همان خانقاه به خاک سپرده شد. اقدامات اساسی در راستای تأسیس بنا، تبلیغ و تقدیس مزار شیخ صفی‌الدین توسط فرزند و جانشین دوراندیش و سیاستمدارش - شیخ صدرالدین موسی - انجام شد (ابن‌بزاز، ۱۳۷۶: ۹۸۸، ۹۸۹؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۲۰؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۶؛ امینی‌هروی، ۱۳۸۳: ۲۶؛ اولثاریوس، ۱۳۸۵: ۱۳۲). تدفین سایر اعضای خاندان صفوی در جوار شیخ صفی‌الدین، افزایش تعداد مریدان این خاندان و زائران مزارات و خانقاه اردبیل، تقلای پادشاهان صفوی بر ایجاد یادگار در جوار مزارات و خانقاه مذکور و سایر اقتضائات زمان موجب گسترش این بناها و تبدیل آن به یک مجموعه‌ی بزرگ شد. بر این اساس مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین، تجلی‌گاه هنرهای ایرانی-اسلامی از زمان شیخ تا پایان دوره‌ی صفوی و حتی پس از آن است. بخشی از این صنایع مستظرفه‌ی اسلامی در قالب کاشی‌های معرّق: سردر ورودی صحن، قبله قاپوسی برج مقبره‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، دیوار بیرونی جنت سرا و دارالحدیث، حجاری سنگ‌های مزار شهیدگاه، مشبک فلز توغ گنبد مزار شاه اسماعیل اول صفوی و توغ علم نگهداری شده در جنت سرا، مشبک چوب مقرنس‌های خانقاه و معرّق و سوخت چوب درب‌های کتابخانه‌ی خانقاه، متبلور شده است. محتوای کتیبه‌های مذکور در سه گروه آیات، احادیث و اذکار قابل تقسیم‌بندی است. در این بین ذکر «الله، محمد، علی» از لحاظ تکرار، بیش از سایر کتیبه‌های موجود در این مجموعه جلب توجه می‌کند.

پرسش و فرضیه‌ی پژوهش: نکات و توضیحات یاد شده، این پرسش را بر ذهن متبادر می‌سازد که دلیل انتخاب و کاربرد مکرر ذکر «الله، محمد، علی» در اغلب بخش‌های مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی چیست؟ با عنایت به خاستگاه و کاربرد طریقتی مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی چنین مفروض است که ذکر «الله، محمد، علی» فراخور ماهیت بنای مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌تواند ریشه در سنت‌های صوفیانه داشته باشد. خصوصاً اینکه این ذکر در ابنیه، اشیاء، محافل و مجالس صوفیه‌ی دوران مغول تا عهد معاصر بارها و بارها تکرار شده است.

روش پژوهش: این جستار به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک آرشیوی، مشاهدات میدانی و مطالعات باستان‌شناسی صورت پذیرفته است.

پیشینه‌ی پژوهش

پیش‌تر پژوهش مستقلی در این خصوص انجام نگرفته و تنها در برخی از آثار تحقیقاتی مرتبط با مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین چون «هنرهای شیعی در

مجموعه‌ی تاریخی و فرهنگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی» (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹: ۱۸۶-۱۸۳)، «روضه‌ی وحید آفاق» (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۹۰: ۸۸)، «اردبیل: بقعه‌ی شیخ صفی» (زاره، ۱۳۸۵: ۵۰، ۶۱) و «اردبیل در گذرگاه تاریخ» (صفری، ۱۳۷۰: ۲۴۱-۲۳۸) اشاراتی در حد گزارش کتیبه‌ها ارائه شده است. در آثار یاد شده، نگارندگان بر ماهیت صوفیانه‌ی ذکر «الله، محمد، علی» تأکید نموده‌اند و تنها از آن با نام اسماء متبرکه یاد کرده‌اند.

الله، محمد، علی در طریقت صفویه

ذکر الله، محمد، علی از پرتکرارترین اذکار در تصوف صفویه به‌شمار می‌آید. هرچند برخی بر این باورند که کاربرد این ذکر سه‌گانه متأثر از تثلیث مسیحیت است و سه اقنوم مسیحیت در جوامع تازه مسلمان غرب ایران و آناتولی که در آن مسیحیت مسبق به سابقه بود، به شکل سه اقنوم اسلامی الله، محمد، علی درآمد (شیبی، ۱۳۸۰: ۳۵۹)؛ اما حقیقت امر این است که جایگاه والای علی بن ابی‌طالب علیه السلام به‌عنوان سر حلقه‌ی تمامی فرق صوفیه‌ی شیعه و سنی موجب شده است که این عنوان در کنار دو لفظ مقدس الله و محمد جای بگیرد. این مقام از علم وسیع، اشراف بر روایات و امتیاز اخوت او با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نشأت می‌گرفت. نکته‌ی قابل تأمل این‌که تعدادی از بزرگان متصوفه، چون: سلمان، ابوذر و اویس قرنی نیز از مریدان و اصحاب علی بن ابی‌طالب علیه السلام بودند. بسیاری با استناد بدین گفته، تصوف را حلقه‌ی واسط بین تسنن و تشیع می‌دانند (زرین‌کوب و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹؛ شیبی، ۱۳۵۴: ۸، ۹۹). ذکر الله، محمد، علی در چنین بستر اعتقادی ظهور کرد و در نزد متصوفه‌ی اهل سنت رواج یافت؛ هنگامی که فضای اعتقادی جامعه به تشیع گروید، این ذکر با قوت بیشتری کاربرد شد و حتی به یکی از شعائر اصلی دولت صوفی-شیعی صفوی بدل شد. ذکر الله، محمد، علی در برخی از آثار ادبی شعرای صوفیه و آثار هنری تولید شده از دوران مغول تا اواخر عهد صفوی انعکاس یافته است؛ علاوه بر برج مقبره‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، گنبد سلطانیه و مقبره‌ی زینل‌بیگ از نخستین نمونه‌های تجلی این ذکر در دوران پیش از صفوی به حساب می‌آیند. در میان آثار ادبی نیز کلامات «بایرک قوشچو اوغلو» مرتبط به قرن ۷ هـ.ق / ۱۳ م. در این خصوص پیش‌تاز است. امروزه اشعار قوشچو اوغلو نزد متصوفه‌ی آذربایجان بسیار محبوب است؛ وی در این اشعار ذکر الله، محمد، علی را کلام «آرن‌ها» می‌داند که این کلام مورد عنایت خاص حق است:

«ارنلر یئیه نیز خاوندگار دیر، / نه عجب شرط و شون همراهی واردیر. / رسول الله دیر اونون حبیبی، / امیرالمؤمنین تک شیری واردیر. / حق نظر ائیله میش بو اوچ کیمسیه، / سیزین دئدیکلرینیزها بونلاردیر» (قوشچو اوغلو، ۱۳۶۹: ۳۹).

ترجمه: (ای ارن‌ها، صاحب شما خداوندگار است، / عجب شرط و شروطی به همراه دارد. / حبیب او رسول الله است، / شیری مانند امیرالمؤمنین دارد. / حق بر این سه [لفظ] نظر کرده است، / کلام شما این‌ها است.)

دیوان خطایی - منسوب به شاه اسماعیل اول صفوی - بارزترین نمود کاربرد ذکر

الله، محمد، علی در ادبیات صوفیه‌ی صفویه است. در یکی از بخش‌های ده‌نامه‌ی^۲ خطایی با عنوان «در جمع توحید و نعت و منقبت» که در سلسله‌النسب صفویه نیز تکرار گشته، ترجیع‌بندی با مصراع ترجیعی «الله و محمد و علی دور» (الله و محمد علی است) درج شده است. در این ترجیع‌بند «الله، محمد، علی» به عنوان یک ذکر برای تمام مخلوقات اعم از: انسان، ملک، حیوان، گیاه و جماد، معرفی شده است (صفوی، ۱۳۸۸: ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰؛ پیرزاده ابدال زاهدی، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۴۵).

ترجیع‌بند مذکور در یکی از نسخه‌های خطی دیوان خطایی با آب‌طلا نوشته شده و به شیوه‌ی تکحیل^۳ دورگیری گشته است. نکته‌ی جالب این که در سراسر دیوان، علاوه بر تخلص «خطایی» که در نزد صوفیه‌ی صفویه جایگاه بسیار بالایی دارد؛ تنها این مصراعِ ترجیعی دارای مضمون صوفیانه، با آب‌طلا کتابت شده است. البته واژگان مذکور به صورت مجزا و با بار معنایی غیر صوفیانه خصوصاً هر جا که از چهارده معصوم یاد شده، با مرکب سیاه کتابت گشته است. پس کاتب بدین‌روش بر ذکر صوفیانه بودن عبارت «الله، محمد، علی» تأکید نموده است (جدول ۱).



جدول ۱. کتابت ذکر الله، محمد، علی با آب‌طلا در دیوان خطایی (صفوی، بی تا: الف/۲۸).

پیر سلطان ابدال - شاعر و مجاهد علوی دلباخته به تصوف صفویه در ابتدای روی کار آمدن شاه اسماعیل اول صفوی - در جای جای اشعارش، ذکر الله، محمد، علی را تکرار کرده است. وی این ذکر را دربرگیرنده‌ی کوه، دریا، دشت و در یک کلام تمام عالم دانسته و از آن به عنوان ستونی یاد کرده که از زمین به سوی آسمان برافراشته شده است (Gölpınarlı, 2010: 77, 78). پیر سلطان ابدال، ذکر الله، محمد، علی را تنها مفهوم قابل درک توسط خود دانسته است و این که به چیزی جز آن وابستگی ندارد:

بن‌گیری نسه بیلمزم / الله بیر محمد علی / اوزومو غیره سالمازام / الله بیر محمد علی (Gölpınarlı, 2010: 77)

ترجمه: (من چیز دیگری را نمی‌دانم / [جز] الله واحد محمد علی / خود را به چیز دیگری وابسته نمی‌کنم / [جز] الله واحد محمد علی).

وی در شعر دیگری الله، محمد، علی را به ازلیت منسوب داشته و از آن با عنوان صاحب راه طریقت^۴ یاد کرده است:

- «بو دونیانین اولینی سوراسان / الله بیر محمد علی دیر علی / سن بو یولون صاحبینی آراسان / الله بیر محمد علی دیر علی» (Gölpınarlı, 2010: 78).
- ترجمه:** (اگر درباره‌ی ابتدای این دنیا پرسى / الله واحد، محمد علی است علی / اگر صاحب این راه را بجویی / الله واحد، محمد علی است علی).
در مطلع شعر دیگری از پیر سلطان ابدال چنین آمده است:
- «الله بیردیر حق محمد علی دیر / آنین اسمی جمله عالم دولودور / بو یول حق محمد علی یولودور / گل محمد علی درگاهینا گل» (Gölpınarlı, 2010: 119).
- ترجمه:** (الله واحد است حق محمد، علی است. / جمله‌ی عالم از اسم او پر است. / این راه، راه حق، محمد، علی است. / بیا به درگاه محمد، علی بیا).
«مدد حق یا محمد یا علی / بیزی درگاهیندان ائيله مه جدا» (Gölpınarlı, 2010: 200).
- ترجمه:** (مدد حق یا محمد یا علی / ما را از درگاهت جدا مکن).
«خوجام بانا علم لری سوراسا / حق محمد علی دئردیم اوکوروم» (Gölpınarlı, 2010: 239).
- ترجمه:** (استادم اگر علوم را از من بپرسد / حق محمد علی گفته می‌خوانم).
«پیر سلطانیم حق محمد علی دن / تا اقراریم واردیر قالوا بلی دن» (Gölpınarlı, 2010: 239).
- ترجمه:** (پیر سلطانم، از حق محمد علی / از قالوا بلی اقرار دارم).
عاشیق عباس توفارقانلی، معاصر با عهد شاه عباس اول صفوی به دفعات ذکر الله، محمد، علی را در اشعار خود به کار بسته است. وی در یکی از معروف‌ترین اشعارش، داستان حیات خویش را از ازل تا ابد توصیف نموده و مرکز ثقل و حسن ختام این داستان، را نیل خود به الله محمد و علی قلمداد کرده است:
- «مسلمانا یئتیب، بیلدیم تارینی / تانیدیم من، عمرومون شیکارینی، / رسولون باغینین دردیم بارینی، / علی کیمی نوجوانا یئتیشدیم» (توفارقانلی، ۱۳۹۳: ۲۱۲).
- ترجمه:** (مسلمان شدم و خدا را درک کردم. / شکار عمر خود را شناختم. / میوه‌ی باغ رسول را چیدم. / به جوانی چون علی رسیدم).
«شاهی مردانا یئتیب، اولدوم ابدی / چاغیردیم آلله‌ی هم محمدی / قطره چاتار بیل عمانه، بئله‌دی: / من عباسام، حق رحمانا یئتیشدیم» (توفارقانلی، ۱۳۹۳: ۲۱۴).
- ترجمه:** (به شاه مردان رسیدم، ابدی شدم. / الله و محمد را صدا زدم. / بدان که قطره به عمان می‌رسد، این چنین است. / من عباسم، به حق رحمان رسیدم).
خسته قاسم، از عاشیق‌های مرید شیخ صفی‌الدین در اواخر قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ هـ. ق. در تیکمه‌دش آذربایجان است که در عنفوان جوانی تعالیم صوفیه را در جوار بقعه‌ی شیخ آموخت. در اشعار او ذکر «الله، محمد، علی» در قالب مصراع‌های پیوسته بارها و بارها ذکر شده است. در یکی از این اشعار چنین آمده است:
- «بو دونیادا آدم اولان، تکدی بیر الله ازل. / اوز نوروندان خلق ائيله دی، اول رسول الله ازل. / شیر یزدان اسمی اولدو، بیر ولی الله ازل» (خسته قاسیم، ۱۳۹۳: ۲۱۳).

ترجمه: (ای انسان این دنیایی، فقط الله واحد و ازلی است. / از نور خود آن رسول الله را در ازل خلق کرد. / نام ولی الله در ازل شیر یزدان شد).
در یکی از منابع مربوط به تشکیلات و سازمان اداری صفویان معاصر با عهد شاه سلطان حسین صفوی، از کاربرد این ذکر در مراسم «تأییدیه ایشیک آقاسیان» سخن به میان رفته است. آداب به‌کاررفته در این مراسم با سنن درباری نامأنوس بوده و از این رو ریشه‌های صوفیانه‌ی آن قابل تصور است. با تکیه بر این گزارش می‌توان چنین ادعا نمود که معاصر با اواخر سلطنت صفویان و در یکی از متشرع‌ترین ادوار این حکومت، همچنان ذکر «الله، محمد، علی» با ماهیت کاملاً صوفیانه کاربرد داشته است: «هر کس از یساولان صحبت و ایشک آقاسیان دیوان که به رتبه‌ی خدمات مزبوره سرافراز گردند، مشارالیه [ایشیک آقاسی باشی] ایشان را در مجالس در مقابل اشرف به طریق خاص خوابانیده، تاج و هاج^۵ بر سر خود گذاشته، سه عدد چوب طریق به او می‌زند و در چوب اول الله و در چوب دوم محمد و در سیم علی به آواز بلند گفته. بعد از خوردن این سه چوب، آن شخص مضروب برخاسته ایشیک آقاسی باشی بعد از آن چوبی را که به او زده بود به آن شخص داده، مشارالیه چوب را گرفته و بوسیده به خدمت خود اقدام می‌نماید و گویا طریق ارشادی است از جانب اشرف» (نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۱۸).

شکل مشابهی از این مراسم صوفیانه در آیین مذهبی «مصاحب» جوامع علوی-بکتاشی آناتولی، روم ایلی و بالکان هویدا است. ریشه‌های این آیین اخوت طریقتی به عهد صفوی برمی‌گردد.

اشعار پیرسلطان ابدال، سرشار از توصیفات دقیق درباره‌ی چگونگی رفتار و کردار مصاحبان نسبت به یکدیگر است. وی مصاحبان را دو نیمه‌ی یک سیب می‌داند که از فرط نزدیکی به هم وارث یکدیگر برشمرده می‌شوند و اگر آنان خود را جدای از یکدیگر بدانند، اسرار همدیگر را فاش نمایند، نسبت به هم بهانه‌تراشی کنند، نسبت به هم بدگمان و مظنون بشوند و در نهایت از یکدیگر قهر کنند به درگاه دوازده امام علیهم‌السلام راه نمی‌یابند (Gölpınarlı, 2010: 289, 290).

در منابع صفوی، از مصاحبت شاهان صفوی با خوانین خاندان زیادوغلی قاجار که همواره حکومت گنجه را در اختیار داشتند، سخن به میان آمده است (Qızılbaşlar tarixi, 1993: 30؛ ترکمان و مورخ، ۱۳۱۷: ۲۸۹؛ تاریخ قزلباشان، ۱۳۶۱: ۵۶؛ نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۸۰).

این آیین طریقتی بین دو جوان مذکر خواهان ورود به طریقت صورت می‌پذیرد؛ البته شرط اساسی برای عقد اخوت، تأهل این دو جوان است. از این رو آیین مذکور را می‌توان سرآغاز بلوغ اجتماعی علویان و بکتاشیان قلمداد کرد.

علویان و بکتاشیان مصاحبت را ریشه در دستور عقد اخوت توسط پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از هجرت به مدینه می‌دانند. البته تأکید اصلی ایشان بر انعقاد این عقد بین حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت علی علیه‌السلام است و از اینجاست که «الله، محمد، علی» به ذکر اصلی این آیین مبدل می‌شود. در برخی از جوامع علوی-بکتاشی، دده -رهبر مذهبی و جاری‌کننده‌ی عقد اخوت- نیز جوانان طالب ورود به طریقت را روی زمین

می‌خواباند و سه مرتبه با چوبی موسوم به «ارکان طریق» بر پشت ایشان می‌زد و ذکر «الله محمد یا علی» بر زبان جاری می‌سازد و سپس برادران معنوی بر پایبندی به «الله، محمد، علی» قول می‌دهند. در برخی دیگر از جوامع علوی تعداد ضربات «ارکان طریق» دوازده ضربه است (Melikoff, 1993: 95, 96; Gölpınarlı, 2010: 160, 161).

علاوه بر این آیین در دیگر آیین‌های علوی-بکتاشی همواره ذکر «الله، محمد، علی» و یا «حق محمد علی» در قالب اشعار و ادعیه‌ی مختلف به گوش می‌رسد: «حق! دیوب بل باغلام اقرار و یوروب ارنلره/ مرشدم اولدی محمد، رهبرم هم مرتضی» (عاصم، ۱۳۴۳: ۲۲)؛

ترجمه: (حق گفته، اطمینان کردم و به ارن‌ها اقرار نمودم/ مرشدم محمد شد، رهبر هم مرتضی)؛

«حق یار دیمجک اوله، محمد علی یارک اوله» (عاصم، ۱۳۴۳: ۲۳)؛

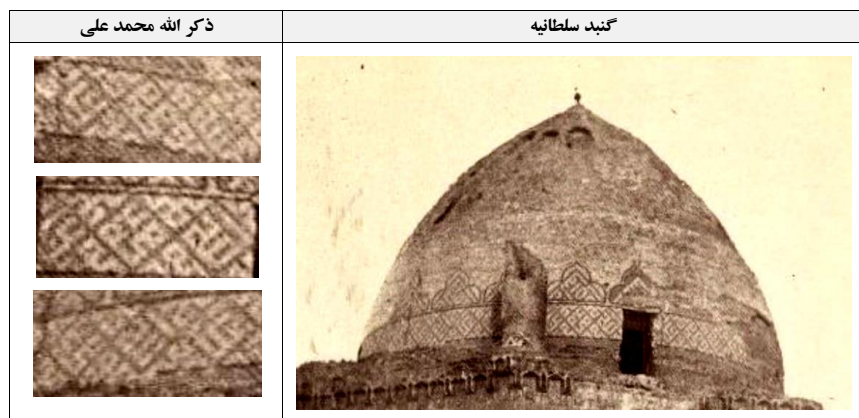
(حق یاورت باد، محمد علی یارت باد)؛

«الله الله، محمد حبیب الله، علی ولی الله» (عاصم، ۱۳۴۳: ۲۳).

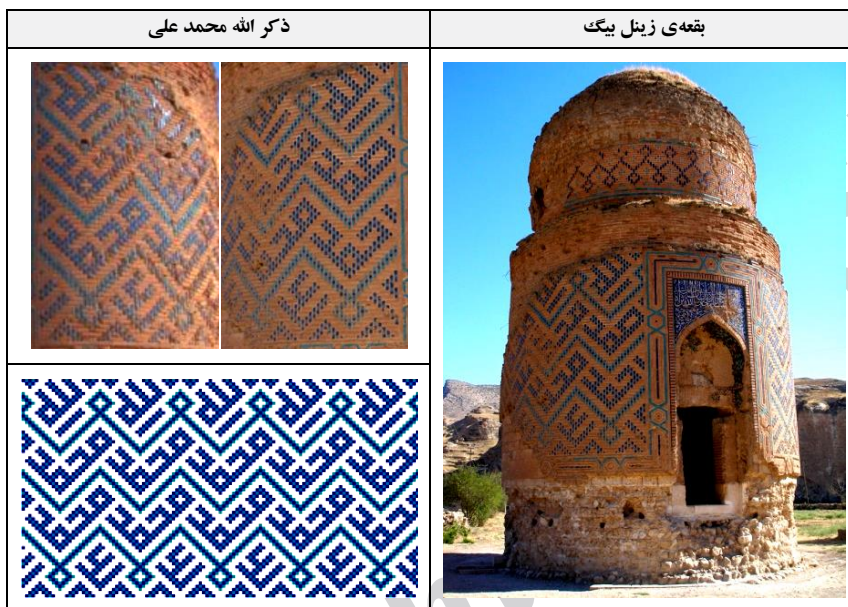
گنبد سلطانیه، یکی از برجسته‌ترین آثار معماری دوره‌ی ایلخانی است که در آن انعکاس ذکر الله، محمد، علی کاملاً مشهود است. این گنبد در دوره‌ی اولجایتو، سلطان محمد خدا بنده ساخته شد و ایلخان بعد از وفات در آن دفن گشت (القاشانی، ۱۳۸۴: ۴۵، ۴۶)؛ این عهد را باید اوج صوفی‌گری در ایران قبل از صفویه دانست. از این رو انعکاس ذکر مذکور در این بنای دوره‌ی ایلخانی کاملاً طبیعی است. نکته‌ی بسیار جالب این که ساخت بنا با دوران حیات شیخ صفی‌الدین اردبیلی معاصر است و حتی برخی از منابع از دعوت شیخ برای اشتراک در مراسم اتمام ساخت این بنا خبر داده‌اند.^۶ بارزترین نمود تبلور این ذکر در اطراف گنبد و محل پیوستن گنبد به سقف است که در آن ذکر مذکور به خط بنایی نقش بسته است (جدول ۲).

تبلور این ذکر در دو مجموعه‌ی معماری طریقتی مرتبط با تصوف صفویه در آذربایجان - مجموعه‌ی شیخ امین‌الدین جبرائیل و مجموعه‌ی شیخ شهاب‌الدین اهری - قابل تأمل است. نکته‌ی جالب این که هر دو مجموعه به صورت هم‌زمان توسط شاه عباس اول صفوی بازسازی و تکمیل شده‌اند (کارنگ، ۱۳۵۳: ۸۰).

► جدول ۲. ذکر الله، محمد، علی در گنبد سلطانیه
(<http://pds.lib.harvard.edu>)



در بنای معروف به بقعه‌ی زینل‌بیگ، فرزند اوزن حسن آق‌قویونلو (طهرانی، ۱۳۵۶: ۲۴۵، ۳۹۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۳۰) که در حصن‌کیفا در آناتولی شرقی واقع است، ذکر الله، محمد، علی تکرار شده است (جدول ۳)؛ هرچند آق‌قویونلوها و خاندان صفویان از نظر سیاسی اختلاف داشتند، اما نباید فراموش کرد که پیش‌تر این دو خاندان روابط بسیار گرمی با همدیگر داشتند، پیوندهای سببی ما بین آن‌ها برقرار شده بود و احتمالاً گرایش‌هایی از سوی آق‌قویونلوها به تصوف صفویه وجود داشته است. در واقع اوزون حسن، پدربزرگ مادری و زینل‌بیگ، دایی شاه اسماعیل اول صفوی به‌شمار می‌آمد.





جدول ۳. ذکر الله، محمد، علی در بقعه‌ی زینل‌بیگ (<http://www.kufic.info>)

مجموعه‌ی شیخ امین‌الدین جبرائیل در روستای کلخوران در نزدیکی شهر اردبیل قرار دارد؛ این مجموعه، شامل بقعه‌ی شیخ امین‌الدین جبرائیل، مزارات عوض‌الخواص بن فیروزشاه زرین‌کلاه، سید محمد اعرابی و امامزاده حمزه، قبرستان عمومی و ساختمان موسوم به مکتب‌خانه است. این بقاع و مزارات از این جهت برای خاندان صفویه و مریدان ایشان دارای اهمیت است که در آن تعدادی از ابا و اجداد شیخ صفی‌الدین اردبیلی خفته است. براساس شجره‌نامه‌ی رسمی خاندان صفویه، شیخ امین‌الدین جبرائیل پدر، عوض‌الخواص جد ششم و سید محمد اعرابی یا سید احمد اعرابی جد شانزدهم شیخ صفی‌الدین است. نام امامزاده حمزه نیز به نام «ابوالقاسم حمزه» که براساس همین شجره‌ی فرزند امام موسی کاظم علیه السلام و جد هیجدهم شیخ صفی‌الدین است شباهت دارد (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۷؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۱؛ ابن‌بزاز، ۱۳۷۶: ۷۰؛ پیرزاده ابدال زاهدی، ۱۳۹۵: ۱۷).

وابستگی نسبی مدفونین در این بقعه و مزارات پیرامون آن به شخص شیخ صفی‌الدین، بر ارزش معنوی آن در نزد متصوفه صفویه افزوده است. در این بین، شیخ امین‌الدین جبرائیل به‌واسطه‌ی نزدیکی بیشتر به شیخ صفی‌الدین از ارزش

و اعتبار بیشتری برخوردار است. از این رو مقبره‌ی او محور مزارات دیگر قرار گرفته است و پادشاهان صفوی خصوصاً شخص شاه عباس اول همواره بر مرمت و آبادانی آن همت گماشته‌اند. براساس سواد فرمانی که در سلسله‌النسب آمده، بخشی از این تعمیرات در سال ۱۰۱۰ هـ. ق. / ۱۶۰۱ م. توسط شیخ ابدال زاهدی - تولیت بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی - صورت گرفته است و این امر موجبات خوشنودی شاه عباس اول را فراهم ساخته است: «آنچه در باب عمارت گنبد حضرت سلطان الاولیاء سلطان سید جبرئیل - نورالله مرقده - عرض نموده بود که انهدام یافته و قبل از این، از آجر ساخته بودند؛ حالا آن رفعت پناه اراده نموده که از کاشی ترتیب نماید و شروع در آن کرده بسیار خوب کرده روی او سفید می‌باید که در خدمات سرکار آستانه‌ی مقدسه‌ی منوره‌ی مجدد مساعی بوده، عمارات حظیره‌ی متبرکه و مراقد منور حضرات مشایخ عظام آنچه شکست یافته باشد، مشرف بر انهدام باشد تعمیر نموده» (پیرزاده ابدال زاهدی، ۱۳۹۵: ۲۳۳). ذکر الله، محمد، علی در نمای بیرونی بقعه‌ی شیخ امین‌الدین جبرائیل در قالب آجرهای لعابدار فیروزه‌ای به خط بنایی و در سردر وردی بقعه در قالب معرّق کاشی به خط نستعلیق مشهود است (جدول ۴).

► جدول ۴. ذکر الله، محمد، علی در بقعه‌ی شیخ امین‌الدین جبرائیل (نگارندگان، سال ۱۳۹۶).

نمای بیرونی بقعه: الله محمد علی	سردر ورودی بقعه: الله محمد یا علی مدد
	

مجموعه‌ی شیخ شهاب‌الدین اهری. شامل: مدرسه، عبادگاه خاص شیخ، مسجد، مزار شیخ، جمع‌خانه و حجره‌های مجزا برای خلوت و عبادت یکی از مهم‌ترین مراکز مورد توجه متصوفه‌ی صفویه به‌شمار می‌آید (کبیر صابر، ۱۳۹۲: ۷۳). دلیل اهمیت بنا نیز به ارتباط شیخ شهاب‌الدین و شیخ صفی‌الدین مربوط می‌شود؛ به‌گونه‌ای که شیخ شهاب‌الدین با چند واسطه، استاد شیخ صفی‌الدین در طریقت محسوب می‌شود. نکته‌ی مغفول در مطالعات صفویه این است که صفویان بخشی از مشروعیت خود را از راه انتساب طریقتی به شیخ شهاب‌الدین اهری اخذ می‌کردند (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۶۴، ۶۵). از این‌روست که شاه عباس اهتمام ویژه‌ای به مرمت و بازسازی این مجموعه داشته است. تحت تأثیر همین جایگاه والای معنوی، بسیاری از پادشاهان صفوی چون شاه طهماسب اول (حسینی‌قمی، ۱۳۸۳: ۳۲۸)، شاه عباس اول (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۸۲، ۷۵۷) و شاه صفی (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۳۷؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۷۷) به‌هنگام سفر به آذربایجان زیارت مزار شیخ شهاب‌الدین اهری را بر خود فرض دانسته‌اند؛ همچنین صاحبان مقام طریقتی خلیفه‌الخلفایی از خاندان بسیار معتبر و مورد اطمینان نصیریبه طوسیه همواره متولیان و مجاوران این مجموعه بوده‌اند

و در عین حال حکومت ولایت قراجه‌داغ آذربایجان نیز به ایشان سپرده شده است (میرزا رفیعا، ۱۳۴۷: ۳۰۹؛ نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۳۵).
ذکر الله، محمد، علی در صحن بقعه و بر طاق سردر سنگی چهاردیواری مشبک اطراف مزار شیخ شهاب‌الدین اهری به خط بنایی و در قالب هنر حجاری مشهود است (کارنگ، ۱۳۵۳: ۷۸، ۷۹)، (جدول ۵).



جدول ۵. ذکر الله، محمد، علی در بقعه‌ی شیخ شهاب‌الدین اهری (نگارندگان، ۱۳۹۶).

انعکاسی از ذکر صوفیه‌ی الله، محمد، علی در اسناد دوره‌ی صفوی موجود است؛ در نشان‌های صفوی تحمیدیه‌ی «هو الله سبحان الملك لله، بسم الله الرحمن الرحيم یا محمد یا علی» و در برخی پروانه‌های صفوی تحمیدیه‌ی «هو الله سبحان الملك لله یا محمد یا علی» نوشته می‌شود (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۹۰، ۸۲).
شاخص‌ترین عبارت این تحمیدیه‌ها ذکر الله، محمد، علی است (جدول ۶).
در شجره‌های صفوی نیز لفظ «الله، محمد، علی» با رنگ مجزا و با آب طلا نوشته می‌شد؛ این درحالی‌ست که واژگان «صوفیه»، «شاه» و ضمایر منسوب به آن‌ها با رنگ سرخ و سایر لغات با رنگ سیاه نوشته می‌شد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۹۱).
در این نوع از اسناد کاربرد رنگ طلایی برای واژگان الله، محمد، علی تداعی‌گر چند مفهوم است: نخست این‌که، این واژگان اجزای یک ذکر هستند و آن ذکر الله، محمد، علی است که در دوره‌ی صفوی با تشکیل حکومت صفوی به یک شعار بدل شده است و در اغلب اسناد و مدارک رسمی و حتی علم‌ها و بیرق‌های این دوران انعکاس می‌یابد. دوم این‌که، ذکر مذکور مقدس‌ترین و برترین بخش سند است؛ چراکه با مرغوب‌ترین و بالاترین رنگ، یعنی رنگ طلا نوشته شده است. ذکر الله، محمد، علی در برخی از مهرهای سلاطین صفوی چون شاه طهماسب اول، سلطان محمد خدابنده، شاه عباس اول و شاه سلیمان صفوی به چشم می‌خورد. ذکر مذکور در صدر مهر و به صورت مجزا از سایر بخش‌های مهر دیده می‌شود (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱)، (جدول ۶).

الله، محمد، علی در مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی

ذکر «الله، محمد، علی» از جمله پرتکرارترین اذکار منقوش در مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی است. این ذکر در کاشی‌کاری برج مقبره‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، جنت‌سرا و دارالحديث مشهود است. قدیمی‌ترین کاشی‌کاری مربوط به این ذکر، در قبله‌قاپوسی برج مقبره‌ی شیخ صفی‌الدین مربوط به دوره‌ی ایلخانی موجود است که به خط ثلث و به شکل متقارن در دو سوی قبله‌قاپوسی نقش بسته است؛ همچنین این ذکر به کرات در کاشی‌های جنت‌سرا و دارالحديث مشاهده


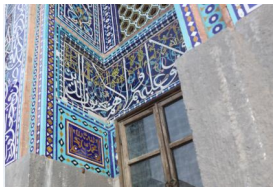




► جدول ۶. ذکر الله، محمد، علی در اسناد دوره‌ی صفوی (<http://malekmuseum.org>):
قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۳۶۹.

صدر مهر شاه سلیمان الله محمد علی	تحمیدیه فرمان شاه اسماعیل اول: هو الله سبحانه بسم الله الرحمن الرحيم يا محمد يا علي	تحمیدیه فرمان شاه سلطان حسین: الملك لله يا محمد يا علي
		
صدر مهر شاه عباس اول: الله محمد علی	تحمیدیه فرمان شاه طهماسب اول: بسم الله الرحمن الرحيم نصر من الله و فتح قريب و بشر للمؤمنين يا محمد يا علي	تحمیدیه فرمان شاه عباس اول: بسم الله الرحمن الرحيم يا محمد يا علي
		

می‌شود. این ذکور به خط بنایی ترسیم شده و به صورت نامنظمی در دیواره‌ی خارجی و رو به صحن دو بنای مذکور پراکنده شده است. ذکر الله، محمد، علی، علاوه بر این در دو سوی درب ورودی صحن مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین، به خط ثلث و به شکل متقارن دیده می‌شود. با عنایت به کتیبه‌ی موجود در سردر ورودی مجموع، کاشی‌کاری‌های جنت‌سرا، دارالحدیث و سردر مربوط به دوران شاه عباس اول صفوی است (جدول ۷).

مزار شاه اسماعیل اول صفوی، دیگر تجلی‌گاه انعکاس ذکر الله، محمد، علی است؛ این ذکر در قالب هنر منبت چوب و به خط ثلث در این صندوق قبر مشهود است. هنرمندان دوره‌ی صفوی، ذکر الله، محمد، علی را به شکل مجزا و در داخل

► جدول ۷. ذکر الله، محمد، علی در کاشی‌کاری‌های مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۵).

توضیحات	الله محمد علی	تصویر
موقعیت اثر: قبله قابوسی برج مقبره‌ی شیخ صفی‌الدین نوع هنر: کاشی معرق نوع خط: ثلث		
موقعیت اثر: جنت‌سرا و دارالحدیث نوع هنر: کاشی معرق نوع خط: بنایی		
موقعیت اثر: سردر ورودی مجموعه نوع هنر: کاشی معرق نوع خط: ثلث		

شش ضلعی ترسیم نموده‌اند. برخی از این شش ضلعی‌ها، تنها دربرگیرنده‌ی یکی از سه واژه‌ی موجود در این ذکر است؛ اما در برخی دیگر از این شش ضلعی‌ها، هر کدام از این واژگان به تعداد شش بار و به صورت چرخشی حول یک گل با شش گلبرگ طراحی و حک شده است (جدول ۸).

الله محمد علی	الله محمد علی	صندوق قبر شاه اسماعیل اول صفوی

جدول ۸. ذکر الله، محمد، علی در صندوق قبر شاه اسماعیل اول صفوی (نگارندگان، ۱۳۹۷).

در قسمت خارجی گنبد مقبره‌ی شاه اسماعیل و در رأس آن، یک توغ فلزی از جنس برنج موجود است که در وسط آن ذکر الله، محمد، علی به صورت مشبک بریده شده و در دو طرف آن دو اژدهای چینی متقارن، با ظرافت هر چه تمام نمایان است (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۸)، (جدول ۹).

توغ گنبد مقبره شاه اسماعیل اول صفوی ^۴	گنبد مقبره‌ی شاه اسماعیل اول صفوی	مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی

جدول ۹. ذکر الله، محمد، علی در توغ گنبد مزار شاه اسماعیل اول صفوی (نگارندگان، ۱۳۹۵).

انعکاس این ذکر در صندوق قبر و توغ گنبد مقبره‌ی شاه اسماعیل، با برخی اشعار موجود در دیوان اشعارش تناسب دارد. شاه اسماعیل در پایان ترجیع‌بند «در جمع توحید و نعت و منقبت» ده‌نامه با لحنی عاجزانه ذکر «الله، محمد، علی» را

امید و پناهگاه خود در دنیا و عقبی می‌داند: «شاه قول لاری نین امیدگاهی، / دنیا ایله عقبی پادشاهی، / بیچاره خطائی نین پناهی، / الله و محمد و علی دور» (صفوی، ۱۳۸۸: ۵۴۲).

ترجمه: «امیدگاه بندگان شاه، / پادشاه دنیا و عقبی، / پناه خطائی بیچاره، / الله و محمد و علی است».

همچنین این ذکر در توغ عَلم معروف نگهداری شده در جنت‌سرای مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی در قالب هنر مشبک فلز مشهود است. انعکاس ذکر الله، محمد، علی در توغ‌ها و علم‌های دوره‌ی صفوی معمول بوده است. وجود ده‌ها توغ به یادگار مانده از این دوران در موزه‌های معتبر جهان و نگاره‌های موجود در آثار نگارگری دوره‌ی صفوی خصوصاً شاهنامه‌ی شاه طهماسبی^۱ دلیلی بر این مدعاست. در برخی از این عَلم‌ها ذکر الله در قالب آیه‌ی شریفه‌ی «نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین» آمده و پس از آن عبارات یا محمد یا علی درج شده است (شاطری، ۱۳۹۵: ۱۶۹)، (جداول ۱۰ و ۱۱).

► جدول ۱۰. ذکر الله، محمد، علی در توغ عَلم جنت‌سرا و سایر توغ‌های دوره‌ی صفوی (Canby, 2014: 224, 235; <https://www.agakhanmuseum.org>; <http://www.metmuseum.org>; <http://www.iranicaonline.org>; <https://www.davidmus.dk>).

موزه‌ی متروپولتن قرن ۱۷م.	موزه‌ی آفاخان تورتو قرن ۱۶م.	موزه‌ی متروپولتن قرن ۱۶م.	موزه‌ی متروپولتن قرن ۱۷م.	جنت‌سرای مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی قرن ۱۶م.
				
الله محمد علی	یا الله یا محمد یا علی	الله محمد علی	الله محمد علی	الله محمد علی
موزه‌ی توبکایی سرای قرن ۱۶م.	شاهنامه‌ی شاه طهماسبی قرن ۱۶م.	فالنماه مجموعه‌ی دیوید قرن ۱۶م.	شاهنامه‌ی شاه طهماسبی قرن ۱۶م.	موزه‌ی توبکایی سرای قرن ۱۶م.
				
الله محمد علی	یا الله یا محمد یا علی	الله یا محمد یا علی	نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا محمد یا علی	الله محمد علی

شاه اسماعیل در دیوان خود در این خصوص آورده است: «نقش علم دوازده امام / الله و محمد و علی دور» (صفوی، ۱۳۸۸: ۵۴۱).

ترجمه: «نقش علم دوازده امام / الله و محمد و علی است».

خانقاه دیگر بخش مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که در آن ذکر الله، محمد، علی انعکاس یافته است؛ این ذکر در مقرنس‌های چینی‌خانه‌ی خانقاه به خط ثلث و در قالب هنر مشبک چوب و در قسمت بیرونی درب کتابخانه‌ی خانقاه به خط بنایی و در قالب هنر منبت و سوخت چوب مشهود است. در مقرنس‌های چینی‌خانه، عبارت یا علی دو بار در دو سوی یک کنج و به صورت متقارن ترسیم شده است. بر بالای عبارت یا علی یکی از این کنج‌ها، کلمه‌ی الله و در دیگری کلمه‌ی محمد به شکل تاج طراحی شده است. در درب کتابخانه‌ها نیز واژگان

جدول ۱۱. ذکر الله، محمد، علی در بیرق‌های صفوی (نگارندگان، ۱۳۹۵).

نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا محمد یا علی	نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا محمد یا علی یا علی	الله محمد علی
		
(Canby, 2014: 241)	(Canby, 2014: 275)	(Canby, 2014: 323)
یا الله یا محمد یا علی	نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا محمد یا علی خیر البشر	یا الله یا محمد یا علی
		
(Canby, 2014: 239)	(Canby, 2014: 248)	(Canby, 2014: 239)
نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا محمد یا علی	نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا محمد یا علی الله محمد علی	نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا محمد یا علی
		
(Canby, 2014: 107)	(Canby, 2014: 141)	(Canby, 2014: 321)

الله، محمد، علی به ترتیب در بالا، وسط و پایین هر دو لنگه‌ی در نقش بسته است (جدول ۱۲).

سنگ‌های قبر دوره‌ی صفوی و از آن جمله سنگ قبرهای موجود در شهیدگاه مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز دربرگیرنده‌ی ذکر الله، محمد، علی هستند. در این مطالعه یک مورد از سنگ قبرهای موجود در شهیدگاه و دو مورد از سنگ قبرهای موجود در بقعه‌ی شیخ امین‌الدین جبرائیل شناسایی شد (جدول ۱۳).

الله، محمد، علی در تسنن و تشیع صفویانه

ذکر الله، محمد، علی بیشتر در نزد جریان‌های متصوفه رواج داشته است. در این بین هم جریان‌های متصوفه نزدیک به تسنن و هم جریان‌های متصوفه نزدیک به تشیع از این ذکر بهره برده‌اند. در یک تبریزین مربوط به قرن ۱۳ ه.ق. در عثمانی، ذکر الله، محمد، علی به همراه نام خلفای راشدین مشهود است. کاربرد نام خلفای راشدین دلیلی بر مذهب تسنن و ذکر الله، محمد، علی، شکل ذوالفقار گونه‌ی حرف

یای واژه‌ی علی و نوع اثر (تبرزین) دلیلی بر اعتقاد متصوفه قلمداد می‌شود (جدول ۱۴).

تداوم کاربرد این ذکر در آثار و اشیاء کاملاً شریعتمدارانه‌ی شیعه و سنی مشهود است (جدول ۱۵).

► جدول ۱۲. ذکر الله، محمد، علی در خانقاه مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۵).

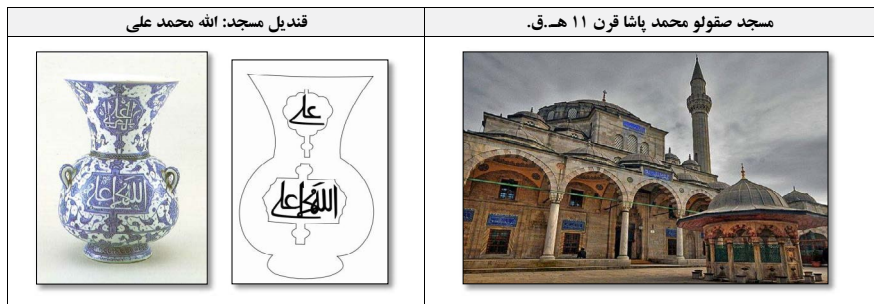
خانقاه	الله محمد علی در مقرنس چینی‌خانه‌ی خانقاه	الله محمد علی در درب کتابخانه‌ی خانقاه
		
		

► جدول ۱۳. ذکر الله، محمد، علی در سنگ مزارهای شهیدگاه و قبرستان امین‌الدین جبرائیل کلخوران (نگارندگان؛ حسینی، ۱۳۸۸: ۹۳، ۹۵).

سنگ قبر شهیدگاه مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی: الله محمد علی	سنگ قبر قبرستان مجموعه‌ی شیخ امین‌الدین جبرائیل: یا الله یا محمد یا علی	سنگ قبر قبرستان مجموعه‌ی شیخ امین‌الدین جبرائیل: الله محمد علی
		

► جدول ۱۴. ذکر الله، محمد، علی در تبرزین متصوفه اهل سنت (https://www.metmuseum.org).

تبرزین عثمانی قرن ۱۳ هـ.ق.		
		
الله، محمد و ابوبکر، عثمان، علی	ذکر الله محمد علی	یای ذوالفقار گونه‌ی علی
		

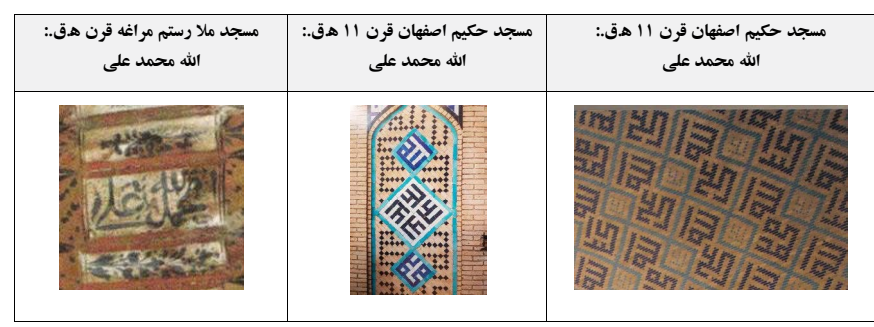


جدول ۱۵. ذکر الله، محمد، علی در اشیاء مساجد اهل سنت (Rogers, 1988: 208).

با این احوال، این ذکر بیشتر در جوامع شریعتمدار شیعه کاربرد یافت. در واقع تشیع صوفیانه در ایران اوایل صفویه به آرامی به تشیع شریعتمدارانه تبدیل شد و شعائر صوفیانه به شعائر شریعتمدارانه تغییر شکل داد. این تحول در قالب کتیبه‌های موجود در فرش‌های محرابی (سجاده‌های) صفوی صورت کاملاً بارز و آشکاری مشهود است. در این فرش‌های محرابی که دارای کاربرد شریعتمدارانه بوده است، ذکر الله، محمد، علی یا به همراه شعائر شیعیانه‌ی «لا اله الا الله، محمد رسول الله علیا ولی الله حقاً حقاً» آمده و یا این که جای خود را به صورت کامل بدان شعائر داده و حذف شده است (جدول ۱۶). تکرار این ذکر در کتیبه‌های ده‌ها مسجد دوره‌ی صفوی نیز نشانگر وجود همین تحول عقیدتی جامعه‌ی ایرانی است (حاجی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۸۲)، (جدول ۱۷).



جدول ۱۶. ذکر الله، محمد، علی و شعائر شیعیانه‌ی لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی ولی الله حقاً حقاً در فرش‌های محرابی (سجاده) (پرغو، ۱۳۹۴: ۱۸۱، ۱۸۲؛ <http://www.sothebys.com>).



جدول ۱۷. ذکر الله، محمد، علی در مساجد دوره‌ی صفوی (خیری، ۱۳۸۵: ۲۹۷؛ معماریان، ۱۳۹۲: ۱۰۲، ۱۰۳).

نتیجه‌گیری

مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی بعد از وفات شیخ، توسط فرزندش شیخ صدرالدین موسی، در جوار خانقاه و مزار شیخ ایجاد شد و در دوره‌های بعد گسترش یافت. ذکر «الله، محمد، علی» به کرات در قالب هنرهای متعددی چون: کاشی‌کاری، حجاری، مشبک‌چوب، مشبک‌فلز، منبت، معرق‌چوب، در بخش‌های مختلف این مجموعه چون: برج مقبره‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، توغ‌گنبد و صندوق قبر مزار شاه اسماعیل اول صفوی، خانقاه موسوم به چینی‌خانه، جنت‌سرا و دارالحدیث تکرار شده است.

این ذکر دارای ریشه‌های صوفیانه است. دلیل این گفته، علاوه بر خاستگاه و کاربرد صوفیانه‌ی مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تکرار این ذکر در کتیبه‌های منقوش در سایر ابنیه و آثار مرتبط با متصوفه از دوران مغول تا عهد معاصر است.

گنبد سلطانیه، مجموعه‌ی شیخ امین‌الدین جبرائیل و مجموعه‌ی شیخ شهاب‌الدین اهری، مشهورترین بناهای معماری مرتبط با صوفیه محسوب می‌شوند که در کتیبه‌های آن ذکر «الله، محمد، علی» نقش بسته است.

آیین‌های طریقتی صفویان چون آیین «تأیید ایشیک آقاسیان» با قرائت ذکر «الله، محمد، علی» همراه بوده است و جوامع علوی و بکتاشی‌اناطولی، روم‌ایلی و بالکان به‌عنوان میراث‌داران تصوف صفویه در دوران معاصر نیز این ذکر را همچنان در آیین‌های مختلف خود چون آیین اخوت اخروی موسوم به «مصاحبت» به‌کار می‌برند. این ذکر همچنین در اشعار شاعران مرتبط با تصوف صفویه و در رأس آنان شاه اسماعیل اول صفوی (خطائی) و پیر سلطان ابدال، عاشیق عباس توفارقانلی و خسته قاسم متجلی شده است.

کاربرد ذکر «الله، محمد، علی» در آثار دیوانی و نظامی صفویان نیز رواج داشت و در تحمیدیه، شجره و مهر اسناد صفوی و در بیرق‌ها و توغ‌های این خاندان حکومتگر مشهود است؛ هرچند ذکر «الله، محمد، علی» در فرق صوفیه‌ی اهل سنت و شیعه کاربرد داشت، اما تداوم آن در فرق صوفیه‌ی شیعه پررنگ‌تر بود. تشیع صوفیانه در ایران اوایل صوفیه به آرامی به تشیع شریعت‌مدارانه تبدیل شد و شعائر صوفیانه آن و از جمله ذکر الله، محمد، علی به شعائر شریعت‌مدارانه تغییر شکل داد.

پی‌نوشت

۱. «آزن» (در اصل ایرن) واژه‌ای ترکی از مصدر «ایرک» به معنی واصل است. در ادبیات صوفیه این واژه به‌صورت جمع، «آزَنلَر» (ارن‌ها) به‌کار می‌رود و به معنی کسانی است که به قرب حق و درجه‌ی ولایت نائل شده‌اند (سامی، ۱۳۱۷: ۹۱).
۲. ده‌نامه در عرف ادب معمولاً گونه‌ای از منظومه‌های غنایی است که بیشتر آن‌ها حاوی ده نسخه‌نامه به‌ترتیب یک در میان از زبان عاشق و معشوق به همدیگر بوده است. یکی از مشهورترین ده‌نامه‌های ترکی «ده‌نامه‌ی خطایی» است که به شیوه‌ی نامه‌های دو سویه سروده شده است. ده‌نامه‌ی خطایی بر بحر هزج مسدس اُخرَب مقبوض محذوف می‌باشد (فرصتی‌جویباری، ۱۳۸۷: ۱۲۴، ۱۳۴).
۳. حروف و نقوش نگاشته شده با زر محلول، به دلیل رنگی که طلا دارد چندان خوانا نبوده و دقیقاً به چشم نمی‌آید. لهذا پیشینیان برای رفع این نقیصه دور این نوشته‌ها را با قلمی باریک و به رنگی تیره، معمولاً سیاه، ترسیم و به اصطلاح دورگیری می‌کردند. این کار باعث می‌شد تا جلوه‌ی حروف و نقوش بیشتر نمایان شود. پیشینیان این شیوه را تکحیل می‌نامیدند (صفوی آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۲۳۲، ۲۳۳).
۴. واژه‌ی «یول» به معنی «راه» در اشعار پیرسلطان ابدال بارها و بارها تکرار شده است، و مراد از آن در این اشعار، راه طریقت است.
۵. «وه‌اج» به معنی بسیار تابان است. مراد از «تاج وه‌اج» در منابع صفوی «کلاه دوازده ترک سرخ رنگ» است که کاربرد آن توسط مریدان خاندان صفوی از زمان شیخ حیدر معمول شد و از این رو ایشان را قزلباش نامیدند. عبارت تاج وه‌اج با این بار معنایی بارها و بارها در منابع دوره‌ی صفوی تکرار گشته است (حسینی، ۱۳۹۶: ۸۰).

۶. «در آن هنگام که پادشاه عادل اولجایتو سلطان از تعمیر سلطنتیه بازپرداخت، شکرانه‌ی اتمام آن را جمعیتی ساخت و در آن مجمع از اکابر علما و عرفا و اولیا، قریب چهارصد نفر عزّ حضور داشتند [...] سلطان خواست که عقد آن جمع به وجود شیخ اردبیل تمام زینت گردد، به رسل متوالی حضور آن ولی [او] والی را التماس فرمود. شیخ اندیشید که اگر در مجلس از تصرف طعام پادشاه امتناع فرماید، مبادا آن ملک عادل را -که تالیف دل او از واجبات بود- شکستگی خاطری روی نماید و تقوای آن قطب مکین اصلا فتوا به تصرف نواله سلاطین نمی‌داد؛ چه باطن همچو گنجش از برنج، به رنج می‌آمد و درون به ریاضت پالوده را، از پالوده‌ای آلوده نمی‌توانست ساخت. خلف صدق خود، خواجه صدرالدین را با خادم نامدار شیخ عزّالدین جهت تسکین خاطر سلطان به خدمت فرستاد و ضعف پیری و شکستگی را وسیله‌ی عذرخواهی سلطنت پناهی ساخت» (خنجی، ۱۳۸۲: ۲۵۷، ۲۵۸).

۷. نویسنده‌ی عالم‌آرای عباسی در شرح اقدامات عمرانی شاه عباس اول صفوی، به فعالیت‌های او در توسعه و آبادانی بقعه‌ی شیخ شهاب‌الدین اهری نیز پرداخته و در این خصوص آورده است: «ترتیب عمارات عالیه‌ی تربت شریف سلطان‌الاولیا و المحققین شیخ شهاب‌الدین اهری قدس سرها و باغ بهشت‌آسای آن روضه» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۱۱).
۸. پژوهش در این خصوص با تعمیرات گنبد مقبره‌ی شاه اسماعیل صفوی در بهار و تابستان سال ۱۳۹۶ مصادف گشت. در جریان تعمیرات، توغ گنبد مقبره برای محافظت، از بنا جدا و در یکی از حجره‌های دارالحدیث مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نگهداری می‌شد. در این مجال غیرقابل تکرار، فردین عینی (کارشناس میراث فرهنگی) زمینه‌ی مشاهده از نزدیک و تصویربرداری از این توغ را فراهم ساخت.

۹. آفرینش شاهنامه‌ی شاه طهماسبی معاصر با دوران سلطنت شاه اسماعیل اول توسط برجسته‌ترین نگارگران کارگاه سلطنتی تبریز آغاز شد. این اثر دارای ۲۵۸ نگاره است و تهیه‌ی آن حدود ۲۰ سال به طول انجامید. شاهنامه‌ی شاه طهماسبی از نفیس‌ترین نسخه‌های مصور ایرانی است. هنرمندانی چون: سلطان محمد، عبدالعزیز، آقامیرک، عبدالوهاب، شیخ‌زاده، میرمصوّر، قاسم‌علی، دوست محمد، میرزاعلی، مظفرعلی و میرسید علی، نگاره‌های متعددی در آن به یادگار گذاشته‌اند. آفرینش این اثر چند سال پس از درگذشت شاه اسماعیل در کارگاه‌های مورد حمایت شاه طهماسب اول به سال ۹۴۴ ه.ق. به اتمام رسید (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

کتابنامه

- ابن بزاز، توکل بن اسماعیل، ۱۳۷۶، صفوة‌الصفاء، تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زریاب.
- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم، ۱۳۸۳، فتوحات شاهی، تصحیح: محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اولتاریوس، آدام، ۱۳۸۵، سفرنامه آدام اولتاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، ترجمه‌ی احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- پرغو، محمدعلی؛ و عبدالهی متنق، غفار، ۱۳۹۴، پژوهشنامه موزه‌ی مؤسسه‌ی تاریخ و فرهنگ ایران زمین، تبریز: دانشگاه تبریز.
- پیرزاده ابدال زاهدی، حسین، ۱۳۹۵، سلسله‌النسب صفویه، تصحیح: حسین نصیر باغبان، تهران: ارمغان تاریخ.
- تاریخ قزلباشان، ۱۳۶۱، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: بهنام.
- ترکمان، اسکندریگ، ۱۳۸۲، عالم‌آرای عباسی، جلد ۱، ۲، ۳، تصحیح: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- ترکمان، اسکندریگ؛ و مورخ، محمدیوسف، ۱۳۱۷، ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح: سهیلی خوانساری، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- توفارقانلی، عباس، ۱۳۹۰، توفارقانلی عاشیق عباس، توپلایان: حسین ساعی، تبریز: اختر.

بنا بر پیشنهاد مجله مقاله ذیل به منابع و مآخذ افزوده می‌شود. ضمناً این مقاله در ارجاع داخل متن نیز اضافه شد:

حاجی‌زاده، کریم، ۱۳۹۷، «زیبایی‌شناسی و ارزش‌های نمادین کتیبه‌های مسجد جامع یزد»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۱۸، دوره‌ی ۸، صص: ۱۹۲-۱۷۵.

- حسینی، سجاد، ۱۳۹۶، «سیر تظور معنایی واژه‌ی قزلباش»، مطالعات تاریخ اسلام، سال ۹، شماره‌ی ۳۲، صص: ۱۰۲-۷۳.
- حسینی، سید هاشم، ۱۳۸۸، بررسی باستان‌شناسی مقابر دوره‌ی اسلامی استان اردبیل (طرح تحقیقاتی) دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم انسانی.
- خسته قاسیم، ۱۳۹۳، خسته قاسیم، توپلایان: محمد عبادی قاراخانلو، تبریز: اختر.
- خنجی، فضل‌الله بن روزبهان، ۱۳۸۲، تاریخ عالم‌آرای امینی، تصحیح: محمد اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین، ۱۳۸۰، تاریخ حبیب‌السیر، جلد ۴، تهران: خیام.
- خیری، سیروس، ۱۳۸۵، معماری و تزیینات ستاوندهای چوبی دوره صفویه در آذربایجان، جلد ۱، تبریز: مهد آزادی.
- رجبی، محمدعلی، ۱۳۸۴، شاهکارهای نگارگری ایران، تهران: موزه هنرهای معاصر ایران، مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی.
- زاره، فردریش، ۱۳۸۵، اردبیل: بقعه‌ی شیخ صفی، ترجمه‌ی صدیقه خوانساری موسوی، تهران: فرهنگستان هنر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین و همکاران، ۱۳۸۵، تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان (پژوهش کمبریج)، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- سالاری شادی، علی، ۱۳۸۸، «احوال و مناسبات صدرالدین صفوی و نقد افسانه قاسم انوار»، پژوهش‌های تاریخی، شماره‌ی ۱، صص: ۱۰۰-۶۷.
- سامی، شمس‌الدین، ۱۳۱۷، قاموس ترکی، ج ۱، استانبول: اقدام مطبوعه‌سی.
- شاطری، میترا، ۱۳۹۵، «تأملی بر کارکردشناسی درفش‌های دوره‌ی صفوی»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۱۱، دوره‌ی ۶، صص: ۱۷۶-۱۶۳.
- شییی، کامل مصطفی، ۱۳۵۴، همبستگی میان تصوف و تشیع، ترجمه‌ی علی‌اکبر شهبابی، تهران: دانشگاه تهران.
- شییی، کامل مصطفی، ۱۳۸۰، تشیع و تصوف، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- صفری آق‌قلعه، علی، ۱۳۹۰، نسخه‌شناخت: پژوهشنامه‌ی نسخه‌شناسی نسخ خطی فارسی، با مقدمه: ایرج افشار، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- صفری، بابا، ۱۳۷۰، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد ۲، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- صفوی، شاه اسماعیل، ۱۳۸۸، کلیات دیوان شاه اسماعیل صفوی (خطایی)، تصحیح: رسول اسماعیل‌زاده دوزال، تهران: الهدی.
- صفوی، شاه اسماعیل، بی‌تا، دیوان خطایی، (نسخه خطی)، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره‌ی ثبت: ۱۴۵۰۵.
- طهرانی، ابوبکر، ۱۳۵۶، کتاب دیاربکریه، تصحیح: نجاتی لوغال، فاروق سومر، تهران: سومر.
- عاصم، نجیب، ۱۳۴۳، بکتاشی علم حالی، استانبول: فناعت کتب‌خانه‌سی.

- فرصتی جویباری، رضا، ۱۳۸۷، «ده‌نامه سرایی در ادبیات فارسی»، دانشنامه، سال ۱، شماره ۱، صص: ۱۳۵-۱۲۳.
- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله، ۱۳۸۴، تاریخ اولجایتو، تصحیح: مهین همبلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۰، مقدمه‌یی بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: انجمن آثار ملی.
- قوشچو اوغلو، بایرک، ۱۳۶۹، کلامار، تصحیح: حسن محمدزاده صدیق، تهران: بی‌جا.
- کارنگ، عبدالعلی، ۱۳۵۳، «بقعه شیخ شهاب‌الدین اهری نمونه‌ای از بناهای عصر صفوی»، یغما، شماره ۲، پیاپی ۳۰۸، صص: ۸۱-۷۶.
- کبیرصابر، محمدباقر: و ابراهیمی، محمدرضا، ۱۳۹۲، «بازشناسی تاریخی تحولات معماری در ارسن مجموعه‌ی شیخ شهاب‌الدین محمود اهری»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی، شماره ۱۲، صص: ۷۸-۷۱.
- کربلایی تبریز، حافظ حسین، ۱۳۸۳، روضات الجنان و جنات الجنان، جلد ۲، تصحیح: جعفر سلطان القرائی، تبریز: ستوده.
- معماریان، غلامحسین، ۱۳۹۲، نام‌علی در معماری اسلامی ایران باروش خط بنایی، اصفهان: آرما.
- میرزا رفیعا، ۱۳۴۷، «دستور الملوک»، تصحیح: محمد تقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱، ۶۷، صص: ۳۲۲-۲۹۸.
- نصیری اردوبادی، میرزاعلی‌نقی، ۱۳۷۱، القاب و مواجب دوره‌ی سلاطین صفویه، تصحیح: یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف، ۱۳۸۲، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، تصحیح: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر، ۱۳۸۳، تاریخ جهان‌آرای عباسی، تصحیح: سید سعید میر محمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یوسفی، حسن؛ و گلمغانی‌زاده‌اصل، ملکه، ۱۳۹۰، روضه وحید آفاق (گذری در تاریخ و هنر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی)، اردبیل: یاوران.

- Canby, Sh. R., 2014, *The Shahnama of Shah Tahmasp*, New York: The Metropolitan Museum of Art.

- Gölpınarlı, A.; Boratav, P., 2010, *Pir Sultan Abdal*, İstanbul: Derin Yayınları.

- Qızılbaşlar T., 1993, *tərcümə və şərhlər: M. Ə. Məhəmmədi*, Bakı: Azərbaycan nəşriyyatı.

- Melikoff, I., 1993, *Uyur idik uyardılar: Alevilik – Bektaşılık araştırmaları, tercüme: Turan Alptekin*, İstanbul: Cem yayınevi.

- Rogers, M. J. & Ward, R. M., 1988, *Topkapı sarayı hazineleri Mühteşem Süleyman çağı*, Berlin: Staatliche Museen Preußischer Kulturbesitz Museum für Islamische kunst.